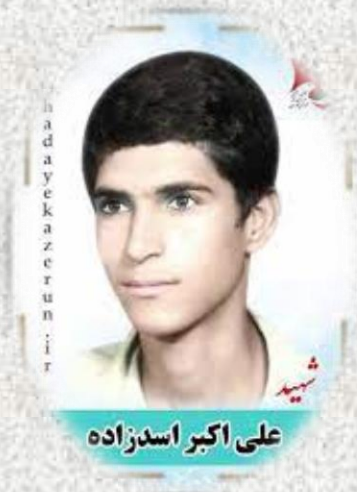


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شهید والامقام علی اکبر اسدزاده

فرازی از زندگی شهید علی اکبر اسدزاده

سلام بر آن هایی که از نفس افتادند تا ما از نفس

نیفتیم،

قامت راست کردند تا ما قامت خم نکنیم،

به خاک افتادند تا ما به خاک نیفتیم.

سلام بر آن هایی که رفتند تا بمانند

و نمانند تا بمیرند.

سلام بر شهدا!

آن هایی که باران رحمت الهی اند

و همواره به زمین خشک جان ها، حیات دوباره

می بخشند.

فرازی از زندگی نامه شهید علی اکبر اسدزاده

شهید والامقام علی رضا اسدزاده

نام پدر : اسداله

تاریخ تولد : ۱۴ شهریور ۱۳۴۲

محل تولد : کازرون

تاریخ شهادت : ۵ آذر ۱۳۶۰

سن : ۱۸ سال

محل شهادت : سوسنگرد

مزار مطهر شهید: کازرون - گلزار شهدای بهشت زهرا

فرازی از زندگی شهید علی اکبر اسدزاده

باسمه تعالی

فرازی از زندگی نامه شهید علی اکبر اسدزاده

شهید علی اکبر اسدزاده متولد ۱۳۴۲ از بچه های باغیرت، مؤمن و خوش اخلاق در خانواده ای معتقد به خاندان رسالت و املت در محله علیای کازرون دیده به جهان گشود.

شهید تحصیلات خود را به ترتیب در دبستان های فرصت، مدرسه راهنمایی شهید خدیو و دبیرستان شهید وحیدی به اتمام رسانید.

فرازی از زندگی‌نامه شهید علی‌اکبر اسدزاده

عزیز ما دارای اخلاق پسندیده‌ای بود، همیشه به هنگام برخورد با دیگران تبسمی بر لب داشت که حاکی از خوش‌رویی او بود. او همیشه به پدر و مادرش احترام می‌گذاشت و در مسجد و در جلسات قرآنی حضور فعالی داشت.

ایشان از همان کودکی علاقه زیادی به مکتب انسان‌ساز اسلام داشت، لذا برای آشنایی دستورات دین، در جلسات قرآن حاضر می‌شد، برای نمونه با مؤسسه اصول دین در قم در ارتباط بود و از کتاب‌ها و جزوه‌های آن

فرازی از زندگی‌نامه شهید علی‌اکبر اسدزاده

مؤسسه برای فهم و یادگیری اصول دین و دیگر آموزه‌های دینی تلاش می‌کرد.

همچنین در مدرسه نیز از دلنش آموزان تلاشگر بود، به تأیید همه دبیران و هم کلاسی‌هایش در ردیف بهترین دانش آموزان مدرسه محسوب می‌شد.

کلاس چهارم دبیرستان بود که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد، او با وجودی که در سنگر مدرسه بود؛ ولی همواره به فکر میدان جنگ و رزمندگان اسلام بود. هنگامی که ستاد مقاومت مساجد تشکیل شد برای پاسداری از محله و برای مبارزه با منافقین و

فرازی از زندگنامه شهید علی اکبر اسدزاده

دیگر گروهک‌های منحرف در ستاد مقاومت مسجد اولیا و مسجد شیخ عضو شد و به پاسداری از انقلاب اسلامی مشغول گردید.

سپس با شرکت در بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی دوره‌های آموزشی سلاح‌های سبک و سنگین را طی کرد، او می‌خواست آنچه در توان دارد در طبق اخلاص بگذارد و به اسلام و انقلاب اسلامی تقدیم نماید.

شهید علی اکبر عزیز از همه مکاتب شرقی و غربی نفرت شدیدی داشت و تنها در خط امام خمینی قلم و قدم می‌زد و در رفتارهای خود تولی و تبری را رعایت می‌کرد.

فرازی از زندگی شهید علی‌اکبر اسدزاده

ایشان در خردادماه ۶۰ موفق به مدرک تحصیلی دیپلم گردید، وی در آزمون تربیت معلم شرکت نمود و در رشته دینی و عربی قبول شد؛ لذا معتقد بود که در سپاه پاسداران بهتر می‌تواند به انقلاب اسلامی خدمت کند، این بود که در آزمون سپاه شرکت کرد و در آنجا نیز موفق شد.

بالاخره محرم سال ۶۰ فرا رسید و بسیج سپاه اعلام جذب نیرو جهت نبرد در جبهه‌های حق علیه باطل نمود؛ اما به علت کثرت عاشقان الله، چون به اندازه کافی نیرو از کازرون به جبهه اعزام شده بود، مسئولین بسیج اعلام

فرازی از زندگی شهید علی اکبر اسدزاده

نمودند که بقیه افراد بسیجی در پشت جبهه یعنی در ستاد مقاومت مساجد انجام وظیفه کنند؛ اما شهید به اصرار فراوان مسئولین را مجبور به اجازه عزیمت به جبهه کرد و بالاخره با درخواست وی موافقت شد. این بود که شهید و همراهانش مشتاقانه و با آگاهی کامل در ۱۲ آبان ۶۰ راهی جبهه جنگ تحمیلی شد. او که با شوق و ذوق فراوان به جنگ با دشمنان اسلام و میهن می‌رفت، هنگام خداحافظی به خاطر این که جلو احساساتش را بگیرد به چشم مادرش نگاه نکرد و تنها به یک نگاه در آخرین لحظه جدائی اکتفا کرد و با این کار

فرازی از زندگی‌نامه شهید علی‌اکبر اسدزاده

همه چیز رابه مادر تفهیم کرد: که ای مادرم! پس از من گریه و زاری مکن، مبادا دشمنان اسلام خوشحال گردند.

آری، او با قلبی سرشار از عشق به اسلام و انقلاب اسلامی و مردم و ایران اسلامی رفت و دنیا را به اهلش سپرد، تا اینکه سرانجام در تاریخ ۵ آذر ۶۰ در کربلای سوسن‌گردبه لتفاق ۵ تن از هم‌زمینش به درجه رفیع شهادت نایل گردید و به آرزوی خود رسید.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.